

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

سیاسی	Political
-------	-----------

نورالله وثوق
۱۲/۲/۱۳۹۰

شعر امروز افغانستان

سام اسامه

انتشارات بهار

سخن از انتشارات بهار است
به هر شاخه تماشای شرار است
شب است و فش فش منشور آتش
فشار شعله ها هر سو بشار است

ملا ضعیف

که می گوید که این ملا ضعیف است
سلامیها یه در بارش ردیف است
زده زانو بـــــه زانوی سیاست
به سردار سترگ ما حریف است

بند و بست

رفیقان در هوای بند و بستند
گهی هشیار و گاهی مست مستند
به امید خرام خیل کرگس
به تردستی قفسها را شکستند

سام اسامه

چنان اسم اسامه سام دارد
که مرگش هم هزاران دام دارد
صدای سُرُسُر این مار صدسر
نمیدانم چه در فرجام دارد

پهنای تنگ

چهار در چننه فـرجام کرده
اسامه صحنه را سرسام کرده
به پهنایی فـکر تنگش احسن
که پهن هر گوشه صدها دام کرده

کویر کور

چه میکاوی کویر کور وکرا
به درد آورده بیهوده سررا
چکرزن در مسیر فکر فردا
دگرگون کن هوای دشت ودررا

کلاوه سردرگم

صدای فکر ما گشته چلاوه
نیاید برزبانها غیر بـلاوه
سر نخ را چسان پیدا توانم
که سردر گم شده یاران کلاوه

بوته دل

نگاه خیره ما کهنه کار است
بود قرنی که دنبال بهار است
دریغ ازبوی سبز بوته دل
که اینجا نه به دار و نه به بار است

چشم شور

رفیقان بس که چشم شور دارند
دل آئینه را ناجور دارند
زمین و آسمان را تیره خواهند
نمی دانم چه در منشور دارند

دیده ورلشته

زدی —ر دیده ورلشته روبند
چه بدها را گمان کردی که خوبند
مگو از مشرق اندیشه هاشان
که اینان رهسپاران غروبند

دستِ ناسور

خبر از نور ناز افشان بیاور
برای شوکتِ دل شان بیاور
رها کن دستِ ناسور هوس را
به رقص عشق من ایمان بیاور

صدای ساده

صدای ساده من سر به تو نیست
دوپهلو و بد اندیش ودو رو نیست
نداری گـر به سر فکر سیاهی
دل آئینه هرگز کینه جو نست

برق ترنم

غلام حلقه حـرف سپیدم
که هرگز از سپیدی بد ندیدم
همان تیغم که با برق ترنم
سکوتِ سینه شب را دریدم

پانویشت :

۱ - ورلشته: الدنگ/ بی بند و بار

۲ - چُلاوه : در معرض بی آبی و تشنگی تا سرحد مرگ قرار گرفتن

<http://norollahwosuq.blogfa.com/>